

اهداف نظام کیفری بین‌المللی در اسناد و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

محمدعلی اردبیلی*

فاطمه وحید دستجردی**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۹

چکیده

با شکل‌گیری و توسعه حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو تأسیس محاکم نظامی بعد از جنگ جهانی دوم، تشکیل دیوان‌های موقت کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و بعدها ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، اهداف گوناگونی برای نظام عدالت کیفری بین‌المللی بیان شده که فراتر از اهداف و کارکردهای سنتی برای مجازات است. به علاوه، مفهوم جدیدی از اهداف سنتی در سطح بین‌المللی مدنظر است. بنابراین، شناخت این اهداف حائز اهمیت است، زیرا منجر به شناخت بهتر سازوکارهای نظام کیفری بین‌المللی و نحوه عملکرد آنها می‌گردد. همچنین روشن خواهد شد که در طی این سال‌ها، شیوه محاکم کیفری بین‌المللی تا چه میزان در تحقق اهداف موفق بوده است. مقاله پیش‌رو با بررسی اهداف حقوق کیفری بین‌المللی در اسناد تأسیس و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به این نتیجه می‌رسد که در نظام عدالت کیفری بین‌المللی، همچنان اهداف سنتی مجازات نسبت به سایر اهداف، همچون ایجاد سابقه تاریخی و صلح پس از مخاصمه، از اولویت برخوردار هستند، اما میزان اهمیت هر یک در مراحل مختلف فرایند کیفری متفاوت است؛ به نحوی که سزاگرایی و بازدارندگی در تعیین مجازات و بازپروری در اجرای مجازات نقش بارزتری دارند.

کلیدواژگان:

بازدارندگی، بازپروری، سابقه تاریخی، سزادهی، صلح پس از مخاصمه.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

m-ardebili@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکترا، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

fvd_vahid@yahoo.com

مقدمه

از زمان برپایی محاکم نظامی نورنبرگ و توکیو تا به امروز که دیوان کیفری بین‌المللی دائمی تشکیل شده، تلاش‌هایی که جامعه جهانی به کار بسته، برای تحقق یک آرمان انسانی بوده است. این آرمان اصلی آن‌گونه که در مقدمه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ذکر شده، «مبارزه با بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی و مشارکت کشورها برای پیشگیری از وقوع جنایات بین‌المللی» است.

تحقق بخشیدن به این آرمان، نیازمند نظامی یکپارچه و منطقی است که در آن مجموعه‌ای از اهداف از طریق سازوکارهای مناسب، هماهنگ و سازگار تأمین گردد. شناخت این اهداف از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا شفافیت آنها بر عملکرد محاکم کیفری بین‌المللی به عنوان اجزای نظام عدالت کیفری بین‌المللی مؤثر است و می‌تواند کارایی محاکم را تقویت یا تضعیف کند.

در آثار محققان و فعالان حقوق کیفری بین‌المللی، اهداف مختلفی یاد شده است، ولی در این باره میان دانشمندان اتفاق نظر وجود ندارد. در سال ۲۰۰۴ میلادی، دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود اعلام کرد که محاکم کیفری بین‌المللی در پی دستیابی به این اهداف هستند: عدالت‌آوری برای مسئولین نقض حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی، پایان دادن به خشونت‌هایی از این دست و پیشگیری از وقوع مجدد آنها، تأمین عدالت و کرامت برای قربانیان، ثبت حوادث گذشته، ترویج آشتی ملی، برقراری مجدد حاکمیت قانون و کمک به بازگشت صلح^۱.

چنان که مشاهده می‌شود، اگرچه این اهداف برای نظام عدالت کیفری بین‌المللی در بردارنده اهداف نظام‌های کیفری ملی است، محدود به آنها نیست. دلیل این امر را می‌توان در تعریف حقوق کیفری بین‌المللی یافت؛ حقوق کیفری بین‌المللی در نقطه هم‌گرایی وجوه کیفری حقوق بین‌الملل، مشتمل بر مجموعه‌ای از قواعد حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه، موسوم به حقوق بشردوستانه بین‌المللی و وجوه بین‌المللی حقوق کیفری داخلی قرار دارد^۲؛ بنابراین اهدافی

1. Report of the Secretary-General, 23 August 2004, S/2004/616, para. 38.

۲. کیتی شیابیزی، کریانگ ساک، **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲، ص ۱۴.

فراتر از اهداف نظام‌های کیفری داخلی دارد. پس به طور کلی، اهداف حقوق کیفری بین‌المللی را می‌توان در دو گروه اهداف مشابه با حقوق کیفری داخلی و اهداف گسترده‌تر قرار داد. این مقاله با مطالعه اهداف ذیل این دو گروه، ضمن بررسی جایگاه هر یک در اسناد تأسیس و رویه محاکم کیفری بین‌المللی، تلاش می‌کند تا نشان دهد کدام‌یک از آنها در نظام عدالت کیفری از اهمیت بیشتری برخوردار است و آیا این اهداف در عمل نیز محقق گردیده‌اند؟

۱. اهداف مشابه حقوق کیفری داخلی

چنان‌که از تعریف ارائه‌شده برمی‌آید، حقوق کیفری بین‌المللی به شدت وام‌دار فرایندها (مراحل دادرسی همچون تعقیب، محاکمه، تجدیدنظر، مجازات) و اصول (مانند اصل مسئولیت شخصی) حقوق کیفری داخلی است. تاجایی که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در موارد سکوت اساسنامه و حقوق بین‌الملل، دیوان را به اصول کلی حقوق برگرفته از حقوق داخلی نظام‌های حقوقی جهان ارجاع می‌دهد.^۱

دو رویکرد اصلی در حقوق کیفری داخلی، سزاگرایی و فایده‌گرایی است. سزادهی، ارعاب و بازدارندگی، و بازپروری مرتکبان جرایم سه هدفی است که ذیل این دو دیدگاه برای مجازات در نظر گرفته می‌شود. اهدافی که در رسیدگی به جرایم بین‌المللی نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

۱.۱. سزادهی در جرایم بین‌المللی

سزاگرایی به عنوان قدیمی‌ترین هدف مجازات، از یک نظم اخلاقی نشئت می‌گیرد که مجازات مجرمان و تناسب آن با جرم ارتكابی را لازم می‌داند؛ آنچه تحت عنوان عدالت استحقاقی از آن یاد می‌شود. طرف‌داران سزاگرایی در پاسخ به این پرسش اساسی «چه کسانی را و به چه میزان باید مجازات کرد؟»، معتقدند که هر کس در فرایند کیفری محکوم شود، متناسب با شدت رفتار مجرمانه‌اش یا به عبارتی سزاواری سرزنش عمل ارتكابی باید مجازات شود.^۲ در چنین مفهومی منظور از سزاگرایی در جرایم بین‌المللی، مجازات تمامی عاملان این فجایع است.

۱. ماده (ج) ۲۱(۱) اساسنامه رم.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: غلامی، حسین، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم، مدرس علوم انسانی، زمستان ۱۳۷۸، شماره ۴، صص ۱۰۰-۱۰۴.

قدر مسلم تاکنون این امر در عمل محقق نشده است؛ باوجوداین، نگرش و رویه نسل‌های مختلف محاکم بین‌المللی به این رویکرد قابل بررسی است.

در سال ۱۹۴۵ میلادی، با پایان جنگ جهانی دوم و طبق وعده اعلامیه مسکو به مجازات مجرمان جنگی، دو دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو برای محاکمه مجرمان جنگ جهانی دوم تشکیل گردید. اعلامیه‌های سیاسی و احکام این دادگاه‌ها از اهدافی که با مجازات چنین جرایمی پیگیری می‌شود، به صراحت سخنی نگفته و فقط به قصد مجازات مجرمان جنگی اشاره داشته‌اند. اما رویه این محاکم و استفاده مکرر از مجازات اعدام^۱ به عنوان شدیدترین کیفر، نشان می‌دهد که سزادهی در رأس اهداف مجازات محکومان این دادگاه‌های نظامی قرار داشته است؛ چنان که بعدها و در پرونده اردموویچ، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در خصوص محاکمات نورنبرگ و توکیو اعلام داشت: «مجازات‌ها در راستای بازدارندگی عمومی و سزادهی بودند.^۲»

در خصوص دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی، قطعنامه‌های موجد این محاکم بدون ذکری از سزاگرایی با عبارت «ضرورت پایان دادن به جرایم بین‌المللی، تأکید بر حقوق بشردوستانه بین‌المللی و کمک به روند آشتی ملی و حفظ صلح»، اعمال عدالت بر مسئولان جرایم ارتكابی را در یوگسلاوی سابق و رواندا مقرر کرده‌اند. دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز آرمان را «خاتمه بخشیدن به بی‌کیفرمانی عاملان چنین جنایت‌ها و کمک در پیشگیری از آن» اعلام می‌کند و صریحاً به سزاگرایی به عنوان هدف تأسیس دیوان ارجاع نداده است. باوجوداین، انتخاب افراد برای تعقیب توسط دادستان و مجازات تعیین‌شده از سوی شعب، ممکن است جایگاه سزاگرایی را در رویه دیوان‌ها مشخص کند.

۱.۱.۱. انتخاب عاملان تحت تعقیب

با وجود فجایع و جنایات بین‌المللی که در نقاط مختلف جهان رخ داده است، فقط موارد محدودی از مخاصمات در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مطرح شده است و می‌شود. در این موارد نیز فقط افرادی که بیشترین مسئولیت را برعهده داشته‌اند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند و در نهایت فقط برخی از آنان محکوم و مجازات می‌شوند. این امر با مفهومی که از سزاگرایی ارائه

۱. از ۲۲ حکم صادر شده از دادگاه نورنبرگ، ۱۱ مورد حکم به مجازات اعدام بود.

2. Erdemovic, Case No. IT-96-22, Sentencing judgement, 29 Nov 1996, para 59 & 62.

شد، تعارض دارد. نظر به اینکه تصمیم دربارهٔ تعقیب یا عدم تعقیب فرد خاص در اختیار دادستان دادگاه است، برخی معتقدند^۱ تصمیم‌گیری دادستان‌ها به جای آنکه مبتنی بر ادلهٔ مجرمیت باشد، مبتنی بر دلایل سیاسی است. این تصمیم‌گیری سیاسی در تعقیب، محاکمه و مجازات افراد، نظم اخلاقی توجیه‌کنندهٔ سزاکرایی را برهم می‌زند.

اگرچه نمی‌توان نقش سیاست را در تعقیب کیفری بین‌المللی به‌طور کامل نادیده انگاشت، شاید آن‌گونه که از احکام بین‌المللی برمی‌آید، بتوان گفت عدالت استحقاقی در نظام عدالت کیفری بین‌المللی چیزی غیر از برآورده کردن میل انتقام و مجازات تمامی مجرمان است. در پروندهٔ کوردیچ، شعبهٔ دادگاه اعلام می‌کند: «سزاکرایی نباید به اشتباه به عنوان بیان انتقام و خونخواهی تلقی شود... سزاکرایی باید شکل جدیدتری از «عدالت استحقاقی» دانسته شود.^۲» در این مفهوم جدید «سزاکرایی»... باید به منظور ابراز به‌جای خشم جامعهٔ بین‌المللی از این جرایم در نظر گرفته شود. مجازات‌های صادره از محاکم بین‌المللی باید محکومیت چنین رفتارهایی از سوی جامعهٔ بین‌المللی را آشکار سازد و نشان دهد که جامعهٔ بین‌المللی تحمل نقض جدی حقوق بشر دوستانهٔ بین‌المللی و حقوق بشر را ندارد^۳. پس سزاکرایی نه درصدد انتقام، بلکه در پی نشان دادن مجرمیت اخلاقی مرتکبان این فجایع است.^۴

۱.۱.۲. ماهیت و تناسب مجازات

تناسب مجازات با جرم ارتكابی از عوامل مهم در رویکرد سزاکرایی است. اگرچه در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل مختلفی، از جمله ضوابط جرم‌انگاری، زمان و مکان اجرای مجازات و ... بوده و مفهوم ثابتی نداشته است.^۵ در سطح بین‌المللی، به نظر می‌رسد تناسب مجازات با جنایات بین‌المللی، به دلیل خشونت و سببیت غیرقابل باور، تعداد زیاد قربانیان و تهدید امنیت و آرامش

1. Olásolo H. "The Prosecutor of The ICC Before the Initiation of Investigations: A Quasi-Judicial or a Political Body?", *International Criminal Law Review* 3(2003), p150.

2. Kordic, IT-95-14/2, Appeal Chamber Judgement, 17 Dec 2004, para. 1075.

3. Aleksovski, Case No. IT-95-14/1, Appeal Chamber Judgement, 24 Mar 2000, para. 185.

۴. رضوی‌فرد، بهزاد، از کارکردهای سنتی کیفر در حقوق داخلی تا کارکردهای نوین آن در حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامهٔ مطالعات پیشگیری از جرم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲۱، ص ۲۴.

۵. کوشا، جعفر؛ زارعی، محمد حسین، اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین‌المللی کیفری، فصلنامهٔ تحقیقات حقوقی، تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱۰۹، ص ۳۴۷.

جامعه بشری باید حداکثر محرومیت از حقوق باشد. این در حالی است که موازین حقوق بشری مجازات‌های بسیار سنگین را منع کرده است و محاکم نوین کیفری بین‌المللی برطبق اساسنامه، فقط می‌توانند به مجازات زندان حکم دهند. بنابراین باید به بررسی عوامل تأثیرگذار در تناسب جرایم با مجازات‌های حبس صادر شده از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پرداخت.

در مجازات حبس، مدت زندان و شرایط اجرای آن در تعیین تناسب مؤثر است. با وجود شدت زیاد جرایم بین‌المللی، برخی از محاکم، مانند دیوان کیفری بین‌المللی^۱ و دادگاه ویژه سیرالئون^۲، با محدودیت زمانی در خصوص میزان حبس روبرو هستند و به همین دلیل، نمی‌توانند به مجازات حبس ابد به عنوان شدیدترین مجازات ممکن حکم دهند^۳. دادگاه‌های موقت نیز با وجود آنکه محدودیتی در این زمینه ندارند، فقط در ۱۳ درصد موارد حکم به حبس ابد داده‌اند^۴.

همچنین، عواملی مثل معامله اتهامی و آزادی مشروط، قبل یا بعد از تعیین مجازات در تناسب جرم و مجازات تغییر ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال، در پرونده استفان تودروویچ، با توافق او در عدم تعقیب شکایت علیه «نیروی ایجاد پایداری بوسنی و هرزگوین»^۵ به دلیل بازداشت غیرقانونی، ۲۶ مورد از اتهامات وی از کیفرخواست خارج گردید^۶ و او با وجود «جرایم بسیار شدید» به ۱۰ سال حبس محکوم شد^۷.

چگونگی گذراندن مدت حبس هم بر متناسب بودن مجازات مؤثر است. این امر با توجه به کشور مجری و شرایط زندان‌های آن متفاوت است. مسلماً گذراندن حبس در کشوری اروپایی با

۱. ماده (الف) (۱) ۷۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

۲. ماده (۱) ۱۹ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون.

۳. البته دیوان کیفری بین‌المللی به استناد ماده (ب) (۱) ۷۷ اساسنامه آن دیوان می‌تواند با وجود شرایطی به حبس ابد حکم دهد. گرچه چنین حبس ابدی نیز نامحدود و به معنای تا پایان عمر محکوم علیه نیست؛ چراکه وی می‌تواند بعد از ۲۵ سال تقاضای تخفیف نماید (بند ۳ ماده ۱۱۰ اساسنامه دیوان).

4. Hola, B. & van Wijk, J. "Life after Conviction at International Criminal Tribunals – Empirical Overview", *Journal of International Criminal Justice*, 12(2014), p109.

5. The Stabilisation Force in Bosnia and Herzegovina (SFOR).

6. Plea Agreement in Todorovic case: <http://www.icty.org/en/press/plea-agreement-announced-motion-hearing-todorovic-case>.

7. Todorovic, Case No. IT-95-9/1, Sentencing Judgement, 31 Jul 2001, para 115.

کشور آفریقایی یکسان نخواهد بود؛ به ویژه آنکه معمولاً شرایط بهتری برای مجرمان بین‌المللی در مقایسه با سایرین وجود دارد^۱.

به این ترتیب، مفهوم نظم اخلاقی و تناسب، در عمل با چالش‌های بسیاری روبرو است و مجازات‌های اعمال شده بر مجرمین با شدت جرایم ارتكابی هم‌خوانی ندارد. این امر سزاگرایی را به عنوان یک هدف تضعیف می‌کند. با وجود این، در حالی که از دید عموم افراد، نظام کیفری بین‌المللی با محکومان بین‌المللی که «دشمن بشریت^۲» محسوب می‌شوند، برخوردی ملایم دارد، قضات بین‌المللی در آرای صادره بر اهمیت سزاگرایی تأکید می‌کنند. تنها در پرونده دلایچ، موسیچ و لاندزو به عنوان استثنایی بر اهمیت سزاگرایی، دادگاه با اعلام اینک: «در نظر گرفتن سزاگرایی به عنوان تنها عامل در تعیین مجازات، دستیابی به اهداف شورای امنیت، یعنی استقرار مجدد و حفظ صلح در یوگسلاوی، را دچار خدشه می‌کند و مجازات سزاگرایانه به خودی خود عدالت نمی‌آورد»، بر اهمیت سایر اهداف به موازات سزاگرایی توجه نشان می‌دهد.

۱.۲. بازدارندگی در جرایم بین‌المللی

ارعاب به عنوان یک هدف دیگر مجازات، شیوه‌ای برای عدم ارتكاب جرم است که هم تمایل مجرم را به ارتكاب مجدد جرم از بین می‌برد و هم سایرین با اعمال مجازات بر مجرم از انجام جرایم مشابه خودداری می‌کنند. به عبارتی، ارعاب «توانایی نظام قانونی برای دلسرد کردن و جلوگیری از رفتارهای خاص به وسیله تهدید به مجازات یا بیان دیگری از مخالفت است»^۳. در واقع، وجود خطر تعقیب، مجازات و ترس از اعمال آن می‌تواند افراد را از ارتكاب جرم بازدارد. در جرایم بین‌المللی نیز همین تفکر وجود دارد؛ آن‌گونه که ویپمن بیان می‌کند: «افراد خطر تعقیب را با منافع شخصی و سیاسی ناشی از ارتكاب نسل‌کشی و جرایم مشابه

۱. برای نمونه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در پرونده پلاوشیچ (بانوی آهنین) وی را به ۱۱ سال زندان محکوم کرد. مجازات در زندانی در سوئد اجرا شد که زندانیان امکان استفاده از سونا، اتاق ماساژ، سولاریوم و سوارکاری داشتند!!!

2. enemies of mankind.

3. Akhavan P. "Justice in the Hague, Peace in the Former Yugoslavia? A Commentary on the United Nations War Crimes Tribunal", *Human Rights Quarterly* 20(1998), p 741.

می‌سنجند^۱». بنابراین جنایتکاران بین‌المللی هم با ارزیابی فایده و بر مبنای انتخاب عقلانی، مرتکب چنین جرایمی می‌شوند.

انتقادات بسیاری به هدف ارباب در جنایات بین‌المللی وارد است؛ از سویی دیدگاه انتخاب عقلانی در سطح بین‌المللی مورد نقد قرار گرفته است^۲ و از سوی دیگر، ملاک‌های ارباب، شامل حتمیت، شدت و سرعت در رسیدگی‌های محاکم کیفری بین‌المللی، به چشم نمی‌خورند و انتخاب گزینشی تعقیب، حذف مجازات اعدام و محدودیت در مدت حبس و کندی رسیدگی‌ها به دلیل همکاری نکردن دولت‌ها، کارکرد اربابی مجازات را زیر سؤال می‌برد.

با وجود انتقادات وارد بر هدف بازدارندگی در سطح بین‌المللی، چنان‌که اسناد تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد، ارباب و بازدارندگی از اهداف اصلی نظام عدالت کیفری بین‌المللی است. در خلال جنگ جهانی دوم، نیروهای متفق امیدوار بودند تا با صدور «یک هشدار کامل»، با این مضمون که جنایت‌کاران جنگی آلمانی به صحنه جنایتشان بازگردانده می‌شوند و مردمی که به خشم آمده‌اند، آنها را قضاوت خواهند کرد، نیروهای آلمان را از ادامه جنگ بازدارند^۳. با پایان جنگ نیز موافقت‌نامه لندن و اساسنامه دادگاه نورنبرگ بر همین مبنا ایجاد شد. در تشکیل ICTY و ICTR نیز ارباب و بازدارندگی یکی از اهداف اصلی بوده است. قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت اعلام می‌دارد: «... ایجاد یک دادگاه بین‌المللی و تعقیب افراد مسئول برای جرایم ارتكابی برای اینکه محاکمه شوند، کمک خواهد نمود به تضمین اینکه چنین خشونت‌هایی متوقف و به نحو مؤثری جبران گردد». قطعنامه ۹۵۵ نیز با عباراتی مشابه بر همین موضوع تأکید می‌کند. در تشکیل ICC و در مذاکرات رم نیز بازدارندگی موضوعی اساسی بوده و به‌طور ضمنی در دیباچه اساسنامه به آن اشاره شده است، در جایی که بیان می‌دارد: کشورهای عضو «مصمم در پایان دادن به بی‌کیفرمانی مرتکبان این جرایم و در نتیجه مشارکت در پیشگیری از چنین جرایمی هستند».

1. Wippman D. "Atrocities, deterrence, and the limits of international justice", *Fordham International Law Journal* 23(1999), p 476.

2. Goffrier B. "Deterrence as Principle of Sentencing in International Criminal Justice", Amsterdam: *Centre for International Criminal Justice*(2014), p 4.

۳. اعلامیه مسکو درباره جنایات آلمانی‌ها، ۱ نوامبر ۱۹۴۳.

رویه و آرای محاکم کیفری بین‌المللی هم مؤید اهمیت بازدارندگی است. البته با توجه به بستر متفاوت جنایات ارتكابی در بالکان و رواندا ناشی از رقابت‌های منطقه‌ای اقوام مختلف، ارعاب و بازدارندگی در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق از اهمیت بیشتری نسبت به دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا برخوردار است.^۱ شاید مهم‌ترین پرونده در این خصوص پرونده اردمویچ باشد که منابع استخراج ارعاب را به عنوان یکی از اهداف مجازات در دیوان موقت ذکر می‌کند که شامل قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت، معاهده ۱۹۴۵ لندن و رویه محاکم نظامی نورنبرگ و توکیو، مواد مرتبط در قانون کیفری یوگسلاوی سابق است.^۲ چنین ارجاعات دقیقی در سایر پرونده‌ها دیده نمی‌شود و فقط در برخی به قطعنامه شورای امنیت و حقوق داخلی یوگسلاوی اشاره شده است.

نکته قابل توجه در آرای صادره، تمایز بین بازدارندگی عام و خاص توسط شعب دادگاه‌هاست. در بیشتر احکام بازدارندگی عمومی را می‌توان دید،^۳ در صورتی که این امر درباره بازدارندگی اختصاصی صادق نیست.^۴ از خلال آرای محاکم می‌توان دلایل این تفاوت را دریافت؛ از سویی احتمال آنکه محکومان بار دیگر فرصت یابند تا مرتکب جرایمی از این دست شوند، بعید است؛ چون تحقق دوباره چنین اوضاع و احوالی غیرمعقول به نظر می‌رسد.^۵ از سوی دیگر، حتی در صورت ایجاد شرایط مشابه در آینده، احتمال اینکه محکومان باز هم مرتکب چنین جرایمی شوند بسیار کم است.^۶

۱. رضوی‌فرد، بهزاد، همان، صص ۲۰-۱۹.

2. Erdemovic, Case No. IT-96-22, **Sentencing judgement**, 29 Nov 1996, para 58-62.

۳. برای مثال:

Musema, Case No. ICTR-96-13, judgement and Sentence, 27 January 2000, para 986 ; Rutaganda, Case No. ICTR-96-3, judgement and Sentence, 6 December 1999, para 456 , Mucic et al., Case No. IT-96-21, Trail Judgement, 16 Nov 1998, para 1234, Todorovic, Case No. IT-95-9/1, Sentencing Judgement, 31 Jul 2001, para 30.

۴. در احکام صادره از ICTY, ICTR, SCLS، 126 حکم به بازدارندگی عمومی اشاره داشته، در حالی که فقط در ۴۳ حکم، بازدارندگی اختصاصی ذکر شده است. برای مطالعه بیشتر، رک:

Goffrier B. "Deterrence as Principle of Sentencing in International Criminal Justice", Amsterdam: Centre for International Criminal Justice (2014).

5. Kunarac et al, Case No. IT-96-21, Judgement, 22 February 2001, para. 839.

6. Mrda, Case No. IT-02-59, Sentencing Judgement, 31 March 2004, para. 17.

اما مسئله درخور تأمل آن است که محاکم کیفری بین‌المللی اغلب با وجود اینکه بازدارندگی را به عنوان یکی از اهداف مجازات محسوب می‌کنند، اهمیتی به مراتب کمتر از سزادهی برای آن در نظر می‌گیرند. از جمله دادگاه در پرونده الکسوسکی اعلام می‌دارد: «درحالی که شعبه تجدیدنظر اهمیت کلی بازدارندگی را به عنوان شرطی در تعیین مجازات برای جرایم بین‌المللی می‌پذیرد، با آنچه در پرونده تادیچ ذکر شده، موافق است که: «به این عامل نباید اهمیت و برجستگی بی‌مورد و ناروا در ارزیابی کلی مجازات تحمیل شده بر محکومان به وسیله دادگاه بین‌المللی داده شود»، به همان اندازه سزادهی، عاملی مهم است.^۱» در پرونده کوردیچ نیز شعبه تجدیدنظر اعلام می‌کند که: «باید توجه داشت که این عامل تعیین مجازات (یعنی بازدارندگی) نباید هنگام تعیین مجازات «برجستگی ناروا» یابد.^۲» عبارت «برجستگی ناروا» در پرونده‌های دیگری نیز در خصوص بازدارندگی به کار برده شده است.^۳ به این ترتیب، این هدف در کنار سزادهی و نه برتر و مهم‌تر از آن قرار دارد.

۱.۳. بازپروری

بازپروری به عنوان توجیهی برای مجازات از فلسفه فایده‌گرایی نشئت می‌گیرد که مبتنی بر حداکثرسازی خوشی و کاهش درد و رنج است. از نگاه بازپروری، افراد ذاتاً مجرم نیستند؛ بنابراین تغییر مرتکبان جرایم به افرادی شایسته برای اجتماع امکان‌پذیر است و از این منظر، مجازات ابزاری خواهد بود برای رسیدن به این هدف.

در اسناد تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی صحبتی از بازپروری نشده است. در واقع باید گفت ماهیت جرایم بین‌المللی به شکلی است که نمی‌توان از هدف بازپروری، آن‌گونه که در پرونده‌های جرایم داخلی صحبت می‌شود، در پرونده‌های محاکم کیفری بین‌المللی سخن گفت. از سویی، شدت این جرایم، تهدید بشریت و خشم حاصل از این فجایع در جامعه جهانی، بازگشت مرتکبان به جامعه را بسیار دشوار می‌سازد و از سوی دیگر اغلب مرتکبان جرایم بین‌المللی بر مبنای اعتقادات و باورهای سیاسی، قومی و دینی خود مرتکب این جنایات می‌شوند و معمولاً از

1. Aleksovski, Case No. IT-95-14/1, Appeal Chamber Judgement, 24 Mar 2000, para. 185.

2. Kordic, Case No. IT-95-14/2, Appeal Chamber Judgement, 17 Dec 2004, para1078.

3. Mucić et al, Case No. IT-96-21, Appeal Chamber judgement, para803; Tadic, Case No. IT-96-21, Sentencing Appeal Judgement, para48; Nicolic, Case No. IT-94-2, Sentencing Appeal Judgement, para46.

لحاظ سنی نیز در شرایطی نیستند که امکان تغییر یا اصلاحی در نگرش آنان وجود داشته باشد. با وجود این، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در احکام خود از این هدف سنتی مجازات نیز یاد کرده و از آن به عنوان «ادغام و بازگرداندن متهم گناهکار به جامعه»^۱ سخن گفته‌اند.

طبق تحقیق کیتی اسمیت، در ۵۶/۵ درصد احکام صادره از محاکم موقت کیفری بین‌المللی و دادگاه ویژه سیرالئون، بازپروری از اصول تعیین مجازات بوده است.^۲ در عین حال، شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی در مواردی بیان کرده است که بازپروری نمی‌تواند «یک نقش عمده در فرایند تصمیم‌گیری شعبه دادگاه» داشته باشد و «نمی‌توان اعتبار ناروایی به آن بخشید».^۳ دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون نیز فقط به بیان کلی این مطلب که بازپروری از اهداف تعیین مجازات می‌باشد، بسنده کرده است.

آنچه که درباره این هدف در سطح بین‌المللی مهم است، چگونگی تعیین موارد مناسب به منظور اعمال بازپروری و شیوه‌های تحقق آن است. در آرای ICTY و SCLS درباره شرایط و شیوه‌های تحقق آن صحبتی نشده، اما دیوان کیفری یوگسلاوی در چند پرونده به شرایط اعمال بازپروری اشاره کرده است؛ از جمله در پرونده سلبیچی شعبه بدوی «سن متهم، اوضاع و احوال وی، قابلیت اصلاح او، فراهم بودن امکانات در زندان» را شرایط لازم برای بازپروری دانسته و اعلام کرده است: «بازپروری معمولاً نسبت به محکومان جوان‌تر و دارای تحصیلات کمتر در نظر گرفته می‌شود».^۴ سن متهم در پرونده‌های دیگری مثل پرونده فروندزيجا نیز در امکان بازپروری مهم دانسته شده است.^۵

به این ترتیب، به نظر می‌رسد محاکم کیفری بین‌المللی بازپروری را در مقایسه با سایر اهداف کم‌اهمیت‌تر تلقی می‌کنند. از جمله دلایل این امر، محدودیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در انتخاب مجازات است. از آنجا که تنها مجازات مقرر در اساسنامه محاکم کیفری بین‌المللی حبس است، امکان اعمال برنامه‌های بازپروری در مقایسه با محاکم داخلی که طیف وسیعی از انواع

1. Mucić et al, Case No. IT-96-21, Judgement, **16 Nov 1998**, para 1233 ; Kordić & Čerkez, Case No. IT-95-14/2, appeal judgement, **17 Dec 2004**, para 1029.

2. Smith Katie, *Rehabilitation as a Sentencing Goal in International Criminal Justice*, Center for International Criminal Justice, Amsterdam, 2014.

3. Delalic, Case No. IT-96-21, Appeal Chamber Judgement, 20 Feb 2001, para 806.

4. Mucić et al, Case No. IT-96-21, Trail Judgement, 16 Nov 1998, para 1233.

5. Furundzija, Judgement, Case No IT-95-17/1-T, 10 Dec 1998, para 291.

مجازات و برنامه را در اختیار دارند، بسیار کمتر است. همچنین، جرایم بین‌المللی در اساس به قدری شدید هستند که امکان بازپروری در خصوص آنها مطرح نمی‌شود، بلکه آنچه نسبت به این جرایم مهم است، سزادهی و بازدارندگی است. دادگاه در پرونده اردمویچ اعلام می‌کند: «به نظر می‌رسد ویژگی‌های جرایم در صلاحیت دادگاه بین‌المللی، کارکرد بازپروری مجازات را رد می‌کند؛ اگرچه حبس محکوم وفق ماده ۲۷ اساسنامه ممکن است چنین هدفی داشته باشد... دادگاه در تعیین مجازات به این نکته توجه می‌کند که کارکرد مجازات باید فرع بر تلاش در جهت انگ زدن به شدیدترین خشونت‌ها علیه حقوق بشردوستانه بین‌المللی و به ویژه تلاش بر ایجاد مانع در وقوع مجدد آنها باشد.^۱»

همچنین به دلیل اجرای احکام محاکم کیفری بین‌المللی از سوی کشورها، دستیابی به هدف بازپروری، به کشور مجری حکم و نحوه اجرای برنامه‌های بازپرورانه در آن کشور بستگی دارد. در پرونده کوناراک دادگاه اعلام می‌دارد: «محکمه از برنامه‌های بازپروری که در حین تحمل مجازات در آنها شرکت می‌کنند، حمایت کامل می‌کند؛ اما این موضوع کاملاً متفاوت است با اینکه گفته شود بازپروری یک هدف مهم در تعیین مجازات است. در حال، حوزه برنامه‌های بازپرورانه به کشوری که محکومان در آنجا مجازاتشان را می‌گذرانند، بستگی دارد و نه به دادگاه بین‌المللی...^۲»

البته حتی با فرض آنکه محکمه بین‌المللی با هدف بازپروری اقدام به تعیین مجازات نماید و مرتکب نیز به کشوری فرستاده شود که شرایط اجرای برنامه‌های بازپروری را برای مجرمان خود فراهم کرده است، باز هم محدودیت‌های ویژه‌ای برای بازپروری مجرمان بین‌المللی وجود خواهد داشت. زبان متفاوت محکومان بین‌المللی، طراحی برنامه‌های بازپروری برای مرتکبان جرایم عادی و نه جنایات بین‌المللی و وجود نداشتن نیروهای آموزش دیده برای انجام برنامه‌ها نسبت به این محکومان، از جمله دلایل توفیق نیافتن بازپروری در خصوص جنایت‌کاران بین‌المللی است.^۳ با وجود آنچه گفته شد، برخی محققان بهترین شیوه برای جلوگیری از ارتکاب جرایم بین‌المللی را بازپروری می‌دانند. به این معنی که «هر مجازاتی که به مجرمان جرایم داده

1. Erdemovic, Case No. IT-96-22, Sentencing judgement, 29 Nov 1996, para 66.

2. Kunarac et al, Case No. IT-23 & IT-96-23/1, judgment, 22 Feb 2001, para 844.

3. Hola, B. & van Wijk, J. ibid, p 122.

می‌شود، باید با هدف بازاجتماعی کردن و بازپروری باشد. خطر ارتکاب مجدد جرم بین‌المللی نسبتاً کم است، زیرا این جرایم اغلب در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی اتفاق می‌افتند که معمولاً برای یک نسل تکرار نخواهد شد. بنابراین مطمئن‌ترین راه برای پیشگیری از ارتکاب چنین جرایمی بازگرداندن مجرم به جامعه است.^۱

۲. اهداف گسترده‌تر

ماهیت جنایات بین‌المللی، وسعت، شدت و تأثیری که بر جامعه بشریت می‌گذارد، باعث شده است تا اهدافی و راه‌های مشابه حقوق کیفری داخلی، در نظام عدالت کیفری بین‌المللی مدنظر قرار گیرند. ایجاد سابقه تاریخی و صلح پس از مخاصمه به عنوان دو هدف مورد توجه در اسناد و رویه محاکم کیفری، به شیوه‌های مختلف با آینده جامعه جهانی و به ویژه جوامع متأثر از چنین جرایمی مرتبط است. برخی نویسندگان این دو هدف را از برایندهای عدالت ترمیمی می‌دانند که در جریان رسیدگی‌های محاکم بین‌المللی که مبتنی بر فرایندهای کیفری سنتی است، قابل دستیابی می‌باشد.^۲

۲.۱. سابقه تاریخی

ایجاد سابقه تاریخی در واقع همان بیان حقیقت است. با توجه به اینکه در جریان منازعات، هر یک از طرفین درگیر، ارتکاب جرایم علیه طرف دیگر را انکار می‌کنند یا اعلام می‌دارند که چنین جرایمی به صورت محدود اتفاق افتاده یا برنامه‌ریزی شده نبوده و ناشی از تقصیر برخی از افراد است. سابقه تاریخی نه فقط در پی نشان دادن خشونت‌های گسترده، بلکه درصدد جلوگیری از چنین انکارهایی است؛ انکارهایی که با رفتارهای مختلف، از جمله تلاش برای پنهان کردن گورهای دسته‌جمعی، انجام می‌گیرد. طبق گفته رئیس دیوان کیفری موقت برای یوگسلاوی سابق، «دادگاه پیشینه‌ای از رویدادها ایجاد کرده است که در تاریخ باقی خواهد ماند و ممکن

1. Sufferling, C.M.J. "The Justification Of Punishment In International Criminal Law Can National Theories Of Justification Be Applied To The International Level?", Austrian Review of International and European Law Online 4(2000), p161.

۲. غلامی، حسین؛ رستمی‌غازانی، امید، زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۴، ص ۳۶.

نیست در آینده تکذیب و انکار شود^۱. «افزون بر این، سابقه تاریخی به لحاظ اینکه امکان دانستن آنچه را که اتفاق افتاده است، برای آیندگان فراهم می‌کند، جنبه آموزشی نیز دارد. درامبل در این باره می‌نویسد: «اکنون احکام دادگاه نورنبرگ، پایه‌ای ثابت در آموزش کودکان ماست^۲.»

البته این هدف گاهی نیز به مثابه یک ابزار در خدمت نظام عدالت کیفری است؛ ابزاری که با خارج کردن حوادث پیش‌آمده از سایه ابهام، به تعیین مجرمان آن کمک خواهد کرد. همچنین زمینه را برای دستیابی به هدف دیگر، یعنی آشتی و صلح ملی، فراهم می‌آورد^۳ و با وجود این، برخی محققان به مخالفت با این هدف برخاسته‌اند؛ از جمله هانا آرنت که تأکید می‌کند کارکرد اصلی دادگاه‌ها اجرای عدالت به معنی تعیین گناهکاری یا بی‌گناهی یک فرد و مجازات مجرمان است^۴.

در اسناد تأسیس محاکم کیفری اشاره‌ای به ثبت وقایع به عنوان هدف نشده است. اما رویه محاکم بین‌المللی کیفری نسبت به آن مختلف است. در برخی پرونده‌ها ایجاد سابقه تاریخی رد شده است؛ تاجایی که در پرونده کاردزیچ شعبه بدوی اعلام می‌نماید: «هدف شعبه خدمت به مطالعه علمی تاریخ نیست^۵.» در عین حال، در محاکمات دیگری، ادله و مطالبی بسیار بیش از آنچه مرتبط با متهم و اتهام اوست، مطرح و در احکام نیز ذکر می‌شود^۶. این امر گویای تلاش دادگاه برای حفظ زمینه‌های جنایات و تهیه گزارشی تاریخی از آنهاست. در پرونده آکایسو، حکم دادگاه از پارگراف ۷۸ تا ۱۳۰ مربوط به حوادث پیش‌آمده در روانداست، بدون آنکه در ارتباط مستقیم با اتهامات آکایسو باشد^۷. نمونه دیگر پرونده میلوسویچ است که با وجود مرگ وی در جریان رسیدگی به پرونده و از بین رفتن امکان مجازات او، محتویات پرونده ضمن روشن کردن

1. Cassese A. "The ICTY: A Living and Vital Reality", *Journal of International Criminal Justice* 2(2004), p597.

2. Drumbl M. A. *Atrocity, Punishment, And International Law*, New York: Cambridge University Press, 2007, p.

3. Galbraith J. "The Pace of International Criminal Justice", *Michigan Journal of International Law* 79(2009), p 89.

۴. برای نمونه نک، Plavsic, Case No. IT-00-39 & 40/1, **Sentencing Judgement**, 27 Feb 2003, para80

5. Arent, H. *Eichmann in Jerusalem: A Report on the Banality of Evil*, Washington: Penguin Books, 1994, p 253.

6. **Karadzic, Case No. IT-95-5/18, Trial Chamber Decisions , 8 Jul 2009, para46.**

7. Tadic, Case No. IT-94-1, Trial Judgement, 17 Oct 2003, para 166-378 ; .krstic, Case No. IT-98-33, Trial Judgement, 2 Aug 2001, para6-477.

8. Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, Trail Judgement, 2 September 1998.

حقایق جنایات ارتكابی در بالکان، امکان استفاده از اسناد و شواهد آن را دربارهٔ دیگر متهمان جرایم نیز فراهم می‌کند.^۱

به این ترتیب، در عمل مشاهده می‌شود که نظام عدالت کیفری بین‌المللی درصدد دستیابی به این هدف نیز هست. اگرچه نباید فراموش کرد که در طراحی قواعد حاکم بر رسیدگی‌های کیفری، به فراهم آوردن امکان بحث جامع تاریخی توجه نشده است و میان «حقیقت واقعی» و «حقیقت محکمه» تفاوت زیادی وجود دارد.^۲ به عبارت ساده‌تر، روش‌های تفکر و تحقیق در حقوق و تاریخ متفاوت است. بنابراین، حقوق کیفری بین‌المللی نمی‌تواند سابقهٔ تاریخی دقیقی ایجاد کند. به گفتهٔ ریچارد اشلی ویلسون، «حتی اگر دادگاه به دنبال بازسازی تاریخ جامع از یک درگیری باشد، گزارش‌های آن جزئی، به شدت ناقص یا فقط خسته‌کننده هستند».^۳

۲.۲. صلح پس از مخاصمه

مفهوم صلح به فرایند ترمیم روابط آسیب‌دیده برمی‌گردد. صلح در پی ایجاد ارتباط بین افراد، گروه‌ها و جوامع است؛ از یک گذشتهٔ جدا از هم به سوی یک آیندهٔ مشترک^۴. در حقوق کیفری داخلی دربارهٔ این هدف بحث نمی‌شود، زیرا جرایم ارتكابی معمولاً از وسعت و شدتی که باعث ایجاد اختلاف در گروه‌های مردمی شود، برخوردار نیستند. اما در سطح بین‌المللی و در جرایم بین‌المللی وضعیت به گونهٔ دیگری است. شدت جنایات، تعداد زیاد قربانیان و شیوه‌های دهشتناک ارتكاب جرم به شکلی است که ایجاد صلح و سازش برای بقای جامعه ضروری به نظر می‌رسد. پس این هدف درصدد به پایان رساندن خشونت‌ها از طریق تشویق به آشتی در جوامع از هم گسیخته است. براین اساس، برخی آن را فقط در مخاصمات بین گروه‌های داخلی یک کشور مطرح می‌کنند؛ مخاصماتی که هم طولانی مدت بوده و هم شامل خشونت‌های گسترده باشد.^۵

1. Drumbl M. A. *Atrocity, Punishment, And International Law*, New York: Cambridge University Press, 2007, p 177.

۲. کرایر، رابرت، هاگان فریم، داریل رایینسون، الیزابت ویلمز هورست، *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمهٔ حسین فخر و داود کوهی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳، صص ۷۳-۷۴.

3. Wilson, R. A. "Judging History: The Historical Record of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *Human Rights Quarterly* 27 (2005), p908.

4. Fischer M. "Transitional Justice and Reconciliation: Theory and Practice", in *Advancing Conflict Transformation: The Berghof Handbook II* (2011), p 415.

5. Bar-Tal D. "From intractable conflict through conflict resolution to reconciliation: psychological analysis", *Political Psychology* 21(2000), p 6.

چنان که گفته شد، در سطح ملی، صلح و آشتی پس از مخاصمه به‌طور معمول از اهداف نظام کیفری در نظر گرفته نمی‌شود و کمتر مورد توجه کشورهاست؛ با این حال کشورهایی هم هستند که توجه ویژه‌ای به آن داشته و صلح و آشتی را در صدر اولویت‌های خود قرار داده‌اند. از جمله کشور رواندا که با تشکیل دادگاه‌های گاجاچا برای رسیدگی به جرایم متهمان نسل‌کشی، بر اساس عدالت مبتنی بر عرف و سنت رواندایی، سعی در آشتی و صلح میان مرتکبان این جرایم و جامعه خود دارد.

در سطح بین‌المللی، قطعنامه‌های شورای امنیت با ذکر آنکه تأسیس دادگاه‌های موقت کیفری به منظور «کمک به اعاده و حفظ صلح» است، این مهم را مدنظر داشته‌اند. کسانی که در مذاکرات پایان جنگ در بالکان شرکت داشته‌اند، استدلال کرده‌اند که ایجاد دادگاه بین‌المللی جنایی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) برای حل این اختلافات ضروری بود و انتقال از یک دوره ظلم و خشونت به صلح و ثبات را فراهم آورده است.^۱ دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز با بیان اینکه جنایات بین‌المللی تهدیدی برای صلح، امنیت و آسایش جهان بوده است و باید به بی‌کیفرمانی مرتکبان این جرایم پایان داده شود، به آن اشاره دارد.

چالش اصلی چگونگی تحقق هدف صلح و آشتی و ارتقای آن از طریق محاکمات کیفری است. برخی معتقدند تعقیب جنایات بین‌المللی می‌تواند هم‌گرایی اجتماعی را تسهیل کند و پیش‌شرط یک صلح پایدار را فراهم آورد. محاکمات دادگاه‌های بین‌المللی می‌تواند از طریق بازگرداندن اعتماد به نفس به شهروندان عادی و اعتماد آنان به قانون، آشتی و صلح پس از مخاصمه را آسان‌تر کند.^۲ کاسسه بیان می‌کند: «عدالت، یکی از ابزارهای رسیدن به صلح است».^۳ در نقطه مقابل، مخالفان اصرار بر تعقیب کیفری را باعث استمرار درگیری بین طرفین مخاصمه می‌دانند. تعقیب چهره‌های کلیدی، نتیجه معکوس در مذاکرات مرحله انتقالی و پایان درگیری خواهد داشت؛ به نحوی که می‌تواند بی‌ثباتی بیشتری ایجاد کند و منجر به درگیری و

1. Keenan P. J. "The Problem Of Purpose In International Criminal Law", *Michigan Journal of International Law* 37(2016), p 421.
 2. Muphy. C. "Political reconciliation and international criminal trials", in *International Criminal Law and Philosophy* (2009), p240.
 3. Cassese A. "Reflection On international Criminal Justice", *The modern law review* 61(1998),p 9.

افزایش احتمال جنایات شود^۱. به همین دلیل، برخی سازش را محدود به موارد خاص می‌دانند. از جمله لورل فلچر معتقد است که اگرچه تحت شرایط خاص، محاکمه‌ها می‌توانند به تصمیم‌گیری‌های شخصی برای سازش کمک کنند، چنین شرایطی معمول نیست و از این رو، ارتباطی میان محاکمات کیفری، اعم از بین‌المللی، ملی و سنتی/محلی، با مصالحه وجود ندارد^۲. برطبق آمار به دست آمده از دادگاه‌های موقت کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون، در عمل و در مرحله تعیین مجازات، ۵۶/۹ درصد پرونده‌ها به ایجاد صلح و سازش توجه داشته‌اند^۳. با وجود این، اطلاعات و جزئیات بیشتر درباره این هدف، شیوه‌ها و عوامل مؤثر در دستیابی به آن در احکام هیچ‌یک از محاکم به چشم نمی‌خورد. فقط می‌توان به بیان برخی احکام ICTR و ICTY اشاره کرد که پذیرش مجرمیت را از سوی متهم، گامی مهم در دستیابی به صلح پس از مخاصمه می‌دانند^۴. به نظر می‌رسد قضاوت در خصوص درستی ادعای موافقان و مخالفان در این باره هنوز زود باشد و آینده آن را مشخص خواهد کرد. آنچه اکنون روشن است، اینکه صلح پس از مخاصمه هدفی آینده‌نگر در نظام عدالت کیفری بین‌المللی و در ارتباط نزدیک با «عدالت انتقالی» است که تأکید بر آینده و ایجاد صلح و آرامش در جامعه دارد^۵.

1. Mennecke, M. "Punishing genocidaires. A deterrent effect or not?", *Human Rights Review* 8(2007), p 327.

2. Fletcher L. E. "From Indifference to Engagement: Bystanders and International Criminal Justice", *Michigan journal of international law* 26(2004), p1022.

3. Kuster M. "Reconciliation as a sentencing goal in International Criminal Justice", Amsterdam: Centre for International Criminal Justice (2014), p6.

4. Rutaganira, Case No. ICTR-95-1C, Judgement and Sentence, 14 March 2005, para 14 ; Deronjic, Case No. IT-02-61, Sentencing judgement, 30 Mar 2004.

۵. برای مطالعه بیشتر درباره جایگاه عدالت انتقالی در حقوق بین‌الملل، رک:

Galbraith J. "The Pace of International Criminal Justice", *Michigan Journal of International Law* 79(2009).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده مشخص گردید که اهداف نظام عدالت کیفری کدام است. اما مسئله اصلی دستیابی عدالت کیفری بین‌المللی به این اهداف است. گفته شده است که اهداف مشابه حقوق داخلی، جز برای شماری اندک از مرتکبان جرایم بین‌المللی، محقق نگردیده‌اند. این بحث دربارهٔ ایجاد سابقه تاریخی و کمک به صلح و عدالت انتقالی نیز مطرح است و عدالت کیفری را در دستیابی به این اهداف موفق نمی‌دانند. به نظر می‌رسد دلیل این عدم توفیق، شیوه نیل به اهداف باشد. به عبارتی، ناهماهنگی میان روش‌ها و مکمل یکدیگر نبودن آنها، منجر به تحقق نیافتن اهداف می‌گردد. زیرا اگر در پی رسیدن به مصالحه و سازش باشیم، هدف سزادهی تأمین نمی‌گردد^۱. همچنین، تلاش برای ایجاد یک سابقه تاریخی می‌تواند منافع متهم را با بیان حقایق غیرمرتبط با دادرسی، تحت‌الشعاع قرار دهد و عدالت استحقاقی را تأمین نکند. همچنین نوعی فشار بر قضات در محکوم کردن متهم ایجاد می‌کند^۲ که البته در برقراری صلح و آشتی در آینده مؤثر خواهد بود. بر همین اساس، گیلبریت معتقد است که دلیل تحقق نیافتن اهداف، ناهماهنگی شیوه‌های تحقق اهداف حقوق داخلی با سایر اهداف است^۳.

بنابراین اگرچه در مقام بیان، همهٔ موارد پیش‌گفته ذیل عنوان اهداف نظام عدالت کیفری بین‌المللی ذکر شده‌اند، در مقام عمل، تاکنون امکان دستیابی به آنها به نحو مطلوب محقق نبوده است. همین امر باعث شده است تا برخی مفسران قائل به انصراف از دو هدف ثبت در تاریخ و صلح پس از مخاصمه باشند و فقط اهداف حقوق کیفری داخلی را معتبر بدانند^۴؛ عده‌ای دیگر با قبول اولویت اهداف حقوق کیفری داخلی اعلام می‌دارند که این اهداف ممکن است در راستای

۱. پیشتر گفته شد که تعقیب مسئولان اصلی جنایات بین‌المللی معمولاً منجر به ادامهٔ مخاصمات می‌شود؛ پس برای دستیابی به صلح باید افرادی با مسئولیت کمتر را مورد محاکمه قرار داد.

۲. رابرت اچ جکسون در دادگاه نورنبرگ به قضات اعلام می‌کند: «اگر شما بگویید که این افراد گناهکار نیستند، این درست مثل آن است که گفته شود جنگی نبوده، کشته‌ای نیست، جرمی واقع نشده است.»

3. Galbraith, *ibid*, p95.

4. Danner A.M. & Martinez J.S. "Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law", *California Law Review* 93(2005), pp 166-169.

تحقق سایر اهداف تعدیل شوند و در نهایت گروه سومی نیز معتقد هستند که در سطح بین‌المللی باید اهداف حقوق داخلی را رها کرد و بر سایر اهداف تأکید نمود.^۱

آنچه از احکام و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برمی‌آید، آن است که نمی‌توان اهداف حقوق داخلی را نادیده گرفت؛ بلکه برعکس، اگرچه «مجازات اغلب در جهت تأمین چند هدف بسته به ماهیت جرم و شرایط مرتکب به کار گرفته می‌شود»^۲، اما تمرکز نظام عدالت کیفری بین‌المللی نه برآشتی، صلح و ایجاد سابقه تاریخی، که بر اهداف مشابه حقوق داخلی است و از آن میان نیز تأکید بر سزاکرایی و بازدارندگی است نه بر بازپروری؛ چنان‌که در پرونده تادیچ دادگاه اعلام می‌کند: «مجازات باید اساساً بر سزاکرایی و بازدارندگی استوار باشد»^۳.

باوجوداین، شاید بتوان موضوع را به شکل دیگری نیز بررسی کرد. از عدالت کیفری بین‌المللی تحت عنوان نظام یاد می‌شود، اما مفهوم نظام الزاماً آن نیست که تمامی اجزا یک هدف را دنبال کنند (اگرچه چنین تعریفی هم وجود دارد)، بلکه می‌توان یک نظام را شامل اجزای مختلفی دانست که هر یک از آنها در پی رسیدن به اهداف خاص خود هستند و برآیند دستیابی اجزا به اهداف خاصشان، تحقق آرمان کلی نظام خواهد بود. مصداق بارز چنین تعریفی را می‌توان سیستم‌های مختلف بدن انسان، اعم از سیستم عصبی، گوارش، گردش خون و ... دانست که هر یک از اعضا وظیفه ویژه‌ای ایفا می‌کنند تا در نهایت سیستم به هدف غایی خود دست یابد. عدالت کیفری نیز چنین نظامی است؛ متشکل از مراحل مختلف با اهدافی ویژه که در صورت همکاری و مشارکت میان این مراحل، اهداف نهایی محقق خواهد شد.

پس باید گفت، درحالی‌که هدف و آرمان اصلی نظام عدالت کیفری بین‌المللی، جلوگیری از بی‌کیفرمانی مرتکبان جرایم بین‌المللی و کاهش شمار چنین جرایمی است، اما هر کدام از مراحل فرایند کیفری ممکن است اهداف خاص خود را داشته باشد^۴. در واقع با یک نگرش سیستمی، قائل به «استقلال نسبی» اهداف در مرحله تعیین مجازات و اجرای احکام بود. بر مبنای چنین دیدگاهی است که برخی محققان معتقدند، اگرچه در هنگام تعیین مجازات اهدافی چون

1. Galbraith, ibid, pp 96-97.

2. Erdemovic, Case No. IT-96-22, sentencing Judgement, 29 Nov 1996, para60.

3. Tadic, Case No. IT-94-1, Sentencing Judgement, 11 Nov 1999, para8.

۴. در عین حال نباید از نظر دور داشت که نظام عدالت کیفری، نظامی پیچیده است؛ به این معنا که عواملی خارج از آن می‌تواند بر کارکردش مؤثر باشد، عواملی همچون تحولات سیاسی، اجتماعی و به طور کلی عوامل محیطی و بیرونی.

سزاگرایی و بازدارندگی در تعیین نوع و میزان مجازات مؤثر هستند، این اهداف در مرحله اجرا و چگونگی اجرای مجازات تعیین شده تأثیری ندارند^۱. آنچه در این گام اهمیت دارد، بازپروری است که با مشخص نمودن شیوه اجرای مجازات، ضمن حفظ حقوق اولیه فرد به منظور امکان بازگشت محکوم به جامعه سعی می‌کند^۲.

به این ترتیب، اهداف مشابه حقوق داخلی در نظام عدالت کیفری بین‌المللی نسبت به سابقه تاریخی و صلح پس از مخاصمه در اولویت هستند، اما خود نیز برحسب مراحل مختلف فرایند کیفری جایگاه متفاوتی دارند.

1. Van Zyl Smit D. and Sonja Snacken. Principles of European Prison Law and Policy, New York: Oxford University Press, 2009, p 76.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

Abel. Denis, Limiting the objectives of the enforcement of international punishment in Research handbooks in international law, Edward Elgar Publishing, 2016.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. کرایبر، رابرت، هاگان فریمن، داریل رایبسون، الیزابت ویلمز هورست، *درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری*، ترجمه حسین فخر و داود کوهی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
۲. کیتی شیایزری، کریانگ ساک، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.

مقاله

۳. رضوی فرد، بهزاد، *از کارکردهای سنتی کیفر در حقوق داخلی تا کارکردهای نوین آن در حقوق بین‌الملل کیفری*، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲۱.
۴. غلامی، حسین، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، *نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم*، مدرس علوم انسانی، زمستان ۱۳۷۸، شماره ۴.
۵. غلامی، حسین، رستمی غازانی، امید، *زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۴.
۶. گوشا، جعفر، زارعی، محمد حسین، *اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین‌المللی کیفری*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، تابستان ۱۳۹۰.

ب) منابع انگلیسی

Books

7. Arent, H. *Eichmann in Jerusalem: A Report on the Banality of Evil*, Washington: Penguin Books, 1994
8. Drumbl M. A. *Atrocity, Punishment, And International Law*, New York: Cambridge University Press, 2007.
9. Van Zyl Smit D. and Sonja Snacken. *Principles of European Prison Law and Policy*, New York: Oxford University Press, 2009.

Articles

10. Akhavan P. "Justice in the Hague, Peace in the Former Yugoslavia? A Commentary on the United Nations War Crimes Tribunal", *Human Rights Quarterly* 20(1998).
11. Bar-Tal D. "From intractable conflict through conflict resolution to reconciliation: psychological analysis", *Political Psychology* 21(2000).

12. Cassese A. "The ICTY: A Living and Vital Reality", *Journal of International Criminal Justice* 2(2004).
13. Cassese A. "Reflection On international Criminal Justice", *The modern law review* 61(1998).
14. Danner A.M. & Martinez J.S. "Guilty Associations: Joint Criminal Enterprise, Command Responsibility, and the Development of International Criminal Law", *California Law Review* 93(2005).
15. Fischer M. "Transitional Justice and Reconciliation: Theory and Practice", in *Advancing Conflict Transformation: The Berghof Handbook II* (2011).
16. Fletcher L. E. "From Indifference to Engagement: Bystanders and International Criminal Justice", *Michigan journal of international law* 26(2004).
17. Galbraith J. "The Pace of International Criminal Justice", *Michigan Journal of International Law* 79(2009).
18. Goffrier B. "Deterrence as Principle of Sentencing in International Criminal Justice", Amsterdam: *Centre for International Criminal Justice* (2014)
19. Hola, B. & van Wijk, J. "Life after Conviction at International Criminal Tribunals – Empirical Overview", *Journal of International Criminal Justice*, 12(2014).
20. Keenan P. J. "The Problem Of Purpose In International Criminal Law", *Michigan Journal of International Law* 37(2016).
21. Kuster M. "Reconciliation as a sentencing goal in International Criminal Justice", Amsterdam: *Centre for International Criminal Justice* (2014).
22. Muphy. C. "Political reconciliation and international criminal trials", *International Criminal Law and Philosophy* (2009).
23. Mennecke, M. "Punishing genocidaires. A deterrent effect or not?", *Human Rights Review* 8(2007) .
24. Olásolo H. "The Prosecutor of The ICC Before the Initiation of Investigations: A Quasi-Judicial or a Political Body?", *International Criminal Law Review* 3(2003).
25. Smith K. "Rehabilitation as a Sentencing Goal in International Criminal Justice", Amsterdam: *Centre for International Criminal Justice* (2014).
26. Sufferling, C.M.J. "The Justification Of Punishment In International Criminal Law Can National Theories Of Justification Be Applied To The International Level?", *Austrian Review of International and European Law Online* 4(2000).
27. Wilson, R. A. "Judging History: The Historical Record of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *Human Rights Quarterly* 27 (2005).
28. Wippman D. "Atrocities, deterrence, and the limits of international justice", *Fordham International Law Journal* 23(1999).

Cases

29. Prosecutor vs. Aleksovski, Case No. IT-95-14/1 , Appeal chamber Judgement, 24 Mar 2000.
30. Prosecutor vs. Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, Trial Judgement, 2 September 1998.
31. Prosecutor v. Deronjic, Case No. IT-02-61, Sentencing judgemen, 30 Mar 2004.

32. Prosecutor v. Erdemovic, Case No. IT-96-22, Sentencing judgement, 29 Nov 1996.
33. Prosecutor vs. Karadzic, Case No. IT-95-5/18, Trial Chamber Decisions , 8 Jul 2009.
34. Prosecutor vs. Kordic , Case No. IT-95-14/2 , Appeal chamber Judgement, 17 Dec 2004.
35. Prosecutor vs. Krstic, Case No. IT-98-33, Trial Judgement, 2 Aug 2001.
36. Prosecutor vs. Kunarac et al, Case No. IT-23 & IT-96-23/1, Trial Judgement, 22 February 2001.
37. Prosecutor vs. Mrda, Case No. IT-02-59, Sentencing Judgement, 31 March 2004.
38. Prosecutor vs. Mucic et al, Case No. IT-96-21, appeal chamber judgement, 20 Feb 2001.
39. Prosecutor vs. Musema, Case No. ICTR-96-13 , judgement and Sentence, 27 January 2000.
40. Prosecutor vs. Nolic, Case No. IT-94-2, judgement on sentencing appeal, 4 February 2005 .
41. Prosecutor vs. Plavsic, Case No. IT-00-39 & 40/1, Sentencing Judgement, 27 Feb 2003.
42. Prosecutor vs. Rutaganda, Case No. ICTR-96-3, judgement and Sentence, 6 December 1999.
43. Prosecutor vs. Rutaganira, Case No. ICTR-95-1C, Judgement and Sentence, 14 March 2005.
44. Prosecutor vs. Tadic, Case No. IT-96-21, judgement in sentencing appeal, 26 Jan 2000.
45. Prosecutor vs. Todorovic, Case No. IT-95-9/1, Sentencing Judgement, 31 Jul 2001.

Internet sites

46. Plea Agreement in Todorovic case available at <http://www.icty.org/en/press/plea-agreement-announced-motion-hearing-todorovic-case> (last visited on 17/7/2017).